



تفسیر انجیل متی  
برای مشاوران مسیحی

**The Christian Counselors Commentary  
The Gospel of  
Matthew**

نویسنده: شاهرخ صفوی  
ویرایش: فرح صفوی  
مرجع: جی آدامز

## پیش نویس نویسنده

جی آدامز، بنیان گذار مکتب مشاوره مسیحی بود، و ما شاگردان او، دنباله آنچه آغاز کرده را ادامه می دهیم. کتابی که در دست دارید، آنچه مربوط به کمک به متقاضی می باشد را از طریق تفسیر انجیل (متی) برای مسیحیان فارسی زبان فراهم شده است.

امیدوارم این کتاب باعث برکت شما بشود و پادشاهی خدا همانگونه که وعده داده (ارمیا ۴۹) در دل همه فارسی زبانان جهان جای بگیرد. آیات منتشر شده از ترجمه هزاره نو می باشند، مگر ذکر شده باشد. آمین

شاهرخ صفوی

متی ۱۰

۱: آنگاه عیسی دوازده شاگردش را نزد خود فرا خواند  
و آنان را اقتدار بخشید تا ارواح پلید را بیرون کنند  
و هر درد و بیماری را شفا دهند

۲: این است نامهای دوازده رسول:  
نخست، شمعون معروف به پطرس و  
برادرش آندریاس؛  
یعقوب پسر زبیدی  
و برادرش یوحنا؛  
۳: فیلیپس و برتولما؛  
توما و متی خراجگیر؛  
یعقوب پسر حلفای و تدای؛  
۴: شمعون غیور و  
یهودای اسخریوطی که عیسی را تسلیم دشمن کرد.

در آیه ۱ می خوانیم، عیسی شاگردانش را "فرا خواند" (آنانی که قرار بود دوازده نفر بشوند). ما شاگردان عیسی مسیح همه "فرا خوانده" شده ایم. برای چه...؟، "و آنان را اقتدار بخشید تا"، یعنی عطایای لازم برای انجام کار را داد "تا"؛ در این خصوص، "ارواح پلید را بیرون کنند و هر درد و بیماری را شفا دهند". هر شخص مسیحی خواست ویژه خدا را دارد، و هیچ مسیحی نیست که عطاهای لازم برای انجام خواست ویژه خدا را نداشته باشد.

عیسی می خواهد آنچه خود کرده را ما شاگردان او نیز انجام دهیم. کاری که عیسی کرده بود را چند برابر کنیم. در "خواندگیشان" تجهیزات لازم را نیز داد. دو کار انجام داد: به ایشان "اقتدار" داد (۱)، و دستور العمل داد (۵). برای کسانی که رسماً مشاور مسیحی کلیسا می باشند، این دو حیاتی است.

## متی ۱۰

۵: عیسی این دوازده تن را فرستاد و به آنان فرمود:  
«نزد غیریهودیان مروید و  
به هیچ یک از شهرهای سامریان داخل مشوید،  
۶: بلکه نزد گوسفندان گمشده قوم اسرائیل بروید.  
۷: هنگامی که می روید، این پیام را موعظه کنید  
که پادشاهی آسمان نزدیک شده است.  
۸: بیماران را شفا دهید،  
مردگان را زنده کنید،  
جذامیها را پاک سازید،  
دیوها را بیرون کنید.  
به رایگان یافته‌اید،  
به رایگان هم بدهید.»

دستورالعملی که عیسی داد پر از جزئیات بود. ابتدا، نشان می دهد که طریق انجام کار، ترتیب عملکردی دارد که او، در وقت مناسب لازم به اجرا نمود. به همین دلیل آنها را منع کرد که نزد سامریان و غیریهودیان نروند (۵). آنان برای رفتن به نزد گوسفندان گمشده قوم اسرائیل خوانده شده بودند (۶). خبر خوش عیسی لازم بود ابتدا به یهودیان داده شود (همانطور که پولس نیز اشاره نمود). کلیسا درس عبرتی در این باره دارد. ابتدا به حال و احوال گوسفندانی که خدا داده باش، و آنوقت، خدا خود گوسفندان دیگری را به کلیسا خواهد افزود (غلاطیان ۶: ۱۰). البته لازم نیست بگوئیم که عکس آن نیز صدق می کند. کشیش و خادمین کلیسا ممکن است تمام وقت خود را صرف بشارت به دیگران بکنند و فراموش کنند که بشارت یافتگانی در کلیسا حضور دارند که هنوز در مانده و تشنه (نه تنها شنیدن، بلکه مصرف) کلامند. بشارت دادن کار همه اعضای کلیسا است (اعمال ۸: ۴ بطور واضح نشانه می دهد)، نه تنها کار خادمین. در اینجا می بینیم، اصل موضوع خدمت به اعضای کلیسا است. کشیش، یعنی سرپرستی از گوسفندان است.  
در آیه ۷، می بینیم پیام همان است که یحیی تعمید دهنده داد و عیسی همان را تکرار کرد. پیام آمدن سلطنت پنجم دانیال (دانیال ۲: ۴۴) یا به عبارت دیگر "کلیسا"، را می داد.  
از آنجا که کارگر مستحق دستمزد خویش است، پیام رسانان نباید دستمزدی از کسانی که پیام را دریافت می کنند دریافت نمایند. آنها از لحاظ مالی باید از جانب مسیحیان حمایت شوند (سوم یوحنا ۷ و ۸). متأسفانه کلیسا های بسیاری دچار وسوسه مالی می شوند، و این التقاط روحانی (خدا/پول) باعث بدبختی آنها می شود. عیسی می گوید، "به رایگان یافته‌اید، به رایگان هم بدهید" (۸).

## متی ۱۰

- ۹: هیچ طلا یا نقره یا مس در کمر بند هایتان با خود نبرید  
۱۰: و برای سفر، کوله بار یا پیراهن اضافی یا کفش یا چوبدستی بر ندارید؛  
زیرا کارگر مستحق مایحتاج خویش است.  
۱۱: به هر شهر یا روستایی که داخل می شوید،  
فردی شایسته بجویید و تا هنگام ترک آن محل،  
در خانه اش بمانید.  
۱۲: چون به خانه ای در می آید،  
بگویید "سلام بر شما".  
۱۳: اگر آن خانه شایسته باشد،  
سلام شما بر آن قرار می گیرد و اگر نه،  
به شما باز می گردد.  
۱۴: اگر کسی شما را نپذیرد  
یا به سخنانتان گوش نسپارد،  
به هنگام ترک آن خانه یا شهر،  
خاک پایهای خود را بتکانید.  
۱۵: آمین، به شما به شما می گویم،  
در روز داوری،  
تحمل مجازات برای سدوم و غموره آسانتر خواهد بود  
تا برای آن شهر.

معلوم است که هیچ نوع امرار معاشی را نباید همراه خود ببرند (۹، ۱۰)، و اینگونه مایحتاج هایشان باید از طرف کسانی که پیام را دریافت کرده اند (ایماندار) برآورده می شد. اینجا، آنچه مربوط به مشاوره می شود مربوط به قوانین کلیسایی است که مشاوره در آن انجام می گیرد. منظور اینست، که اگر متقاضی بخواهد بگونه ای به مشاور پاداش بدهد، قبول کردن آن اشکال ندارد، ولی نباید (مانند روانشناسان مسیحی) اخاذی نمود.

آنچه مربوط به پذیرش آنها (از جانب مردم) لازم بود بدانند را نیز برایشان به دقت توضیح داد. ابتدا باید کسی که "شایسته" است (موافق با شنیدن پیام) را پیدا کنند (۱۱). و باید تا زمانی که در آن شهر هستند، در منزل او سکونت کنند. برای آن خانه و ساکنینش دعا کنند. اما اگر کسی مخالفت کرد، "خاک پایهای خود را بتکان"، یعنی آنجا را نه تنها ترک کنند، بلکه هیچ نوع برداشتی (آنچه در خاطر مانده) از او را با خود همراه نبرند. در این صورت است که می گوید "سلام" شما (صلح)، به خودتان باز خواهد گشت. و در خصوص آنها، می گوید سرنوشتی بدتر از آنچه بر سر سدوم و غموره افتاد را بدست خواهند آورد (مرقوس ۳: ۲۹). عیسی می خواست نشان بدهد شاگردانش وارد چه صحنه ای خواهند شد (چسب ناک). نتیجتاً با صراحت راجع به ظلم و ستمی که ممکن است برایشان پیش آید صحبت کرد. مشاوران نیز باید با متقاضیان روی راست باشند. مشاور هدایت می کند، ولی متقاضی است که باید تجربه نماید. روح القدس درون اوست که با هضم کلامش، امکان دریافت متقاضی را فراهم می سازد. همانگونه که ابتدا کلام را شنید و به دلش نشست

و ایمان آورد (و باعث آزادی روح القدس گردید)، همانگونه نیز، تقدیس خداوند صورت می گیرد. عیسی راجع به مسائلی که پس از دریافت پیام (مانند قطع روابط با دیگران) ممکن است برایشان پیش آید نیز صحبت کرد.

### متی ۱۰

۱۶: «من شما را همانند گوسفندان به میان گرگان می فرستم.

پس همچون مار هوشیار باشید

و مانند کبوتر ساده.

۱۷: از مردم بر حذر باشید.

آنان شما را به محاکم خواهند سپرد

و در کنیسه های خود تازیانه خواهند زد.

۱۸: به خاطر من شما را نزد والیان و پادشاهان خواهند برد

تا برابر آنان

و در میان قومهای جهان شهادت دهید.

می گوید شما را نزد گرگان می فرستم (۱۶). البته پیام خود جاذبه دار است، و شامل شوخ و نشاط بسیاری می گردد، اما در مجموع کاری دشوار و بی ارزش جلوه داده می شود (کمتر ایمان می آورند). صحبت از تضادی که میان "گوسفند" و "گرگ" وجود دارد، و رابطه ای که با رساندن پیام به مردم دارد است. و در ادامه باز، تضادی میان "مار" و "کبوتر" را نیز به میان می آورد. در مشاوره مسیحی نیز ممکن است یک متقاضی رفتار ناخوشایندی را نسبت به مشاورش انجام دهد. بیشتر بخاطر آنست که خواست شخصی آنها با کلام مغایرت دارد، و از پشتیبانی او از کلام عصبانی می شوند و چنین رفتاری را از خود نشان می دهند. در آیه ۱۷ عیسی به شاگردانش می گوید، "از مردم بر حذر باشید". منظور از مردم، کسانی است که با خواست خدا (پیام / کلام) مخالفند، و هیچ راه مسالمت آمیزی را با ایشان نمی توان بر قرار کرد. به هیچ استدلالی جز استدلال خودشان گوش نمی دهند، و نتیجتاً شما را دشمن خود می بینند. به حدی که در کنیسه ها (یهودیان) شما را شلاغ خواهند زد! تنها راهی که مذهب دارد زور است.

اما در آیه ۱۸ می بینیم که صحبت از رفتن نزد "والیان و پادشاهان" می کند و امکانی که برای "شهادت" دادن بوجود می آید (امکانیست که در یهودیان کم بود). به این صورت پیام مسیح به همه "والیان و پادشاهان" و "قومهای جهان" رسانده خواهد شد. نکته دیگر استفاده عیسی از کلمه "شهادت" است. شهادت نه تنها شامل رساندن پیام عیسی است، بلکه شامل تجربه شخصی پیام دهنده نیز می باشد. پیامی را می توان حفظ کرد و به زبان آورد، بدون آنکه تمایلی نسبت به آن داشت، اما کسی که تجربه از پیام دارد، می تواند به حقانیت آن شخصاً اعتراف کند.

## متی ۱۰

۱۹: اما چون شما را تسلیم کنند،  
نگران نباشید که چگونه یا چه بگویید.  
در آن زمان آنچه باید بگویید  
به شما عطا خواهد شد.

۲۰: زیرا گوینده شما نیستید،  
بلکه روح پدر شماست

۲۱: برادر، برادر را و پدر، فرزند را  
تسلیم مرگ خواهد کرد.  
فرزندان و والدین بر خواهند خاست  
و موجبات قتل آنها را فراهم آورد.

۲۲: همه مردم به خاطر نام من  
از شما متنفر خواهند بود.  
اما هر که تا به پایان پایدار بماند  
نجات خواهد یافت

۲۳: چون در شهری به شما آزار رسانند  
به شهر دیگر بگریزید.  
آمین، به شما می گویم،  
که پیش از آنکه بتوانید به همه شهر های اسرائیل بروید،  
پسر انسان خواهد آمد.

در آیات ۱۹ و ۲۰ عیسی صحبت از عطای خدا (الهام از خدا) می کند. منظور اتکای آنها به روح القدس بود که بر درون خود داشتند ("آن زمان آنچه باید بگویید به شما عطا خواهد شد"). روح القدس خالق طبیعت نو می باشد و امکان زندگی نو را نیز می دهد (اگر بخواهیم). منظور عیسی آنست که باید متکی بر درون آن دل تازه باشند که او صحبت از آن خواهد کرد، و از این رو اتکا بر روح القدس را در زندگی پیش بگیرند. وقتی متکی به خدائی که بر درون خود داریم می شویم، متوجه می شویم که خدا طبق کلامش بهترین ها را (مزمور ۱۰۳: ۲) برای ما می خواهد ("عطا خواهد شد").

می گوید خانواده ها از هم پاشیده می شوند (۲۱). معمولاً فشار های خانوادگی و اجتماعی برای کسانی که به عیسی مسیح روی می آورند زیاد است. خانواده می دانند که او در راه تغییر است و تحمل آن را ندارند. شریک حاکم بر دنیاست، و جایی برای محبت خدا وجود ندارد. در حقیقت از مسیحیان "متنفرند". اینجا عیسی صحبت از "پایداری" می کند، "اما هر که تا به پایان پایدار بماند نجات خواهد یافت". دو نوع "نجات" برای مسیحیان وجود دارد؛ ابتدا نجات جان، و سپس نجات از آثار شیطان. "پایداری" زمانی لازم می شود که روح القدس در کار است، و تغییری در زندگی می خواهد انجام بدهد (یعقوب ۱: ۴). در کلام خدا "پایداری" به دو گونه استفاده شده، یکی پایداری در زمان تغییر زندگی است، و دیگری پایداری در تمام طول عمر.

اما به هیچ عنوان نباید جان خود را به خطر بیاندازند، "به شهر دیگر بگریزید" (۲۳). هر که در راه عیسی جاننش را از دست می دهد شهید می شود، اما خواست خدا شهید شدن فرزندانش نیست. به همین خاطر گفته بود، "همچون مار هوشیار باشید و مانند کبوتر ساده". عیسی می گوید در چنین مواقع محل را ترک کنید، و به شهر های دیگری که پیام را دریافت نکرده اند بروید.

### متی ۱۰

۲۴: «شاگرد از استاد خود برتر نیست

و نه غلام از ارباب خود والاتر.

۲۵: شاگرد را کافی است که مانند استاد خود شود

و غلام را که همچون ارباب خود گردد.

اگر رئیس خانه را بعزببول خوانند،

سایر افراد خانه را چه خواهند خواند؟

۲۶: «بنابراین، از آنان مترسید.

هیچ چیز پنهان نیست که آشکار نشود

و هیچ چیزی پوشیده نیست که عیان نگردد.

۲۷: آنچه در تاریکی به شما گفتم،

در روشنایی بیان کنید

و آنچه در گوشتان گفته شد،

از فراز بامها اعلام نمایید.

در آیات ۲۴ و ۲۵، دلیل اصلی آنکه به آنها جفا وارد می شود را مشاهده می کنیم. شاگردانش جفا می بینند چون راه و روش "استاد" را پیش گرفته و انتشار می دهند (جنگ روحانی). شاگردان بقدر "کافی" از عیسی پر شده بودند که جفا دهندگان، فکر می کردند عیسی را رو به روی خود می دیدند، و عکس العملشان همانگونه بود که با عیسی بود (و کماکان باقیست). لازم است به متقاضیان تذکر داد که آنچه از خدا دریافت کرده اند مخالف است با آنچه در دنیا رواج دارد. دلیل این تذکر نیز آنست که عیسی همین گونه عمل کرد. اما عیسی در ادامه دادن به هشدار های لازم، می گوید "مترسید". تمام آنچه در مخالفت با آنها گفته می شود، در ملا عام، دیر یا زود، آشکار ("عیان") خواهد شد (۲۶). بنابر این، تعلیم و تربیت از جانب خداست ("استاد") که در خفا و در دل فرزندش انجام می گردد، و این تعلیم و تربیتی که دریافت کرده را باید به کسانی که مانند خودش نیازمند هستند "اعلام نماید" (۲۷).



## متی ۱۰

- ۲۸: از کسانی که جسم را می کشند اما قادر به کشتن روح نیستند، مترسید؛  
از او بترسید که قادر است هم روح و هم جسم شما را در جهنم هلاک کند.  
۲۹: آیا دو گنجشک را به یک پول سیاه نمی فروشند؟  
با این همه، حتی یک گنجشک نیز بدون خواست پدر شما به زمین نمی افتد.  
۳۰: حتی موهای سر شما به تمامی شمرده شده است.  
۳۱: پس مترسید،  
زیرا ارزش شما بیش از هزاران گنجشک است.

در آیه ۲۸، اساس حیات روحانی خدا و حیات روحانی شیطان را مشاهده می کنیم. منظور اینست که تنها دو روح (تنها ۲) در دنیا حاکم است. روح سومی (انسانی) وجود ندارد. حیات خدا، حیاتی بهشتی است که شامل نشاط و سلامتی است، و حیات شیطان "جهنم" و هلاک کننده می باشد. حیات جاودانه خدا نه تنها مربوط به زندگی در این دنیاست، بلکه تا ابد در پیشگاه خدا حضور خواهد داشت. خدا از فرزندان حفاظت خواهد کرد، حتی اگر جانشان را در خدمت به او از دست بدهند. ارزشی که خدا برای انسان قائل است را در آیات ۲۹ تا ۳۱ می خوانیم. نباید فراموش کنیم که خالق ما خدای آفرینش است، و آدم را در زمین به شباهت خود آفرید. اگر این تعداد گنجشک در دنیا را خوراک میرساند و حفظ می کند، شکی نیست که فرزندان را بیش از آنها محبت خواهد کرد.

"پول سیاه" که در آیه ۲۹ صحبت از آن می کند، سکه ای بود که از مس کم کیفیت ساخته شده بود و همیشه "سیاه" بود و کمترین ارزش پول آن زمان را داشت. این پول سیاه، یک سوم (۱/۳) دیناریوس (denarius) ارزش داشت که حال فرض می کنیم حدود یک دلار آمریکا (\$) می باشد. حال اگر تعداد شش هزار (۶۰۰۰) گنجشک بود ("هزاران گنجشک")، تازه کل ارزش حیات انسان دو هزار (۲۰۰۰) دلار می گردید. نتیجه می گیریم که معلوم است صحبت راجع به ارزش زندگی نیست، بلکه مقدار سرپرستی و حفاظت خداست.

## متی ۱۰

- ۳۲: «هر که نزد مردم مرا اقرار کند،  
من نیز در حضور پدر خود که در آسمان است،  
او را اقرار خواهم کرد؛  
۳۳: اما هر که مرا نزد مردم انکار کند،  
من نیز در حضور پدر خود که در آسمان است،  
او را انکار خواهم کرد.  
۳۴: «گمان مبرید که آمده ام تا صلح به زمین بیاورم.  
نیامده ام تا صلح بیاورم،  
بلکه تا شمشیر بیاورم!  
۳۵: زیرا آمده ام تا:  
«پسر را بر پدر،  
دختر را بر مادر و  
عروس را بر مادرشوهرش برانگیزم.  
۳۶: دشمنان شخص،  
اهل خانه خودش خواهند بود.»  
۳۷: «هر که پدر یا مادر خود را بیش از من دوست بدارد،  
شایسته من نباشد.  
۳۸: هر که صلیب خود را برانگیرد  
و از پی من نیاید،  
شایسته من نباشد.»

در آیات ۳۲ و ۳۳، متوجه هشدار دیگری می شویم که مربوط به ایمانشان است. آنکه ایمانش ضعیف است، در زمان آزمایش (جفا) تسلیم خواهد شد. عیسی می گوید آنکه حتی زیر فشار "مرا اقرار کند"، نامش در پیشگاه پدر (تا ابد) ثبت می گردد. منظور ایمانیست که از دل بر می خیزد، نه از فکر و خیال. ایمانیست که لازم است از لُبه تیز شمشیر (۳۴) گذشته باشد، تا دوام آورد. شمشیر همان روح القدس است که گوشت را از استخوان جدا کرده (در جسم)، تمام آنچه از خدا نیست را از میان می برد (عبرانیان ۴: ۱۲). برداشت متقاضیان از مشاوری مسیحی بیشتر جنبه حل مسائل و مشکلات زندگی را دارد، اما برکت جانی که نیز نسیب آنها می گردد تقویت ایمانشان است. هر چه بیشتر شبیه به خدا می شویم، بیشتر می خواهیم شبیه به او بشویم.

زمانی که یک نفر به عیسی مسیح ایمان می آورد، تقریباً همه فامیل مخالف او می شوند. مشاخره ها میان اعضای فامیل شکل می گیرد و چه بسا کار به درگیری ها می کشد. این همان اشکالی است که دنیا با عیسی مسیح دارد.

## متی ۱۰

۳۹: هر که بخواهد جان خود را حفظ کند،

آن را از دست خواهد داد

و هر که جان خود را بخاطر من از دست بدهد،

آن را حفظ خواهد کرد.

۴۰: «هر که شما را بپذیرد،

مرا پذیرفته

و کسی که مرا پذیرفت،

فرستنده مرا پذیرفته است.

۴۱: هر که پیامبری را از آن رو که پیامبر است بپذیرد،

پاداش پیامبر را دریافت خواهد کرد،

و هر که پارسایی را از آن رو که پرساست بپذیرد،

پاداش پارسا را خواهد گرفت.

۴۲: هر که به این کوچکان،

از آن رو که شاگرد منند،

حتی جامی آب سرد بدهد،

آمین، به شما می گویم،

بی پاداش نخواهند ماند.»

در آیه ۳۹ به موضوع حیاتی حفظ جان میرسیم. در اینجا صحبت از دو نوع جان شده، یکی جانیست که با آن به دنیا میائیم، و دیگری جانیست که از ایمان به عیسی مسیح (حیات نو) بدست می آوریم. حیات انسان (ایماندار و بی ایمان) از روح القدس است (پیدایش ۲: ۷؛ ایوب ۳۳: ۴) که طبیعتاً بدست انسان می رسد و طول عمرش نیز بستگی به طول عمر هر یک دارد. اما حیات دیگری هم هست که در اثر عملکرد روحانی آن روح، عیسی می گوید آنکه جان دنیوی خود را، بخاطر دست یابی به جان ابدی عیسی "از دست بدهد، آن را حفظ خواهد کرد". مردم عکس آن را فکر می کنند؛ می گویند خودت بهتر از هر کسی می دانی چیست که برای تو خوب است و چه بد. بیشتر بخاطر آنست که عیسی را نشناخته اند. نام او را شنیده اند، ولی از او شناختی ندارند. متقاضیان باید بدانند که بسیاری از احکام خدا (که الزامی است)، با آنچه در دنیا رواج دارد مغایرت دارد (و احتیاج به 'پایداری' خواهد بود). نمی توان هم رنگ جامعه شد، و هم هم رنگ خدا. اگر امکانی برای جفا دیدن متقاضی هست، باید خود را در مقابل آن تقویت نماید.

در آیه ۴۰ عیسی می گوید هر که شما را بخاطر شنیدن پیام "پذیرفت"، پاداشی مانند پاداش آنکه پیام را رسانده، دریافت خواهد کرد. روح القدس است که پاداش را می رساند، چون اوست که از ابتدا تا ابد (حیات نو)، خواست خدا را در زندگی انجام می رساند.